دولت اسلامی افغانستان

وزارت تعلیم و تربیه

ریاست تالیف و ترجمه

قرائت دری

صنف پنجم

مؤلف: عبدالواحد قادری

قرائت دری

برای صنف پنجم

مؤلف : الحاج عبدالحفیظ (توکل)

مشاور : روژه‌گل (وحدتی)

خطاط : سید نذیر

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم

رهنم ای معلم

به منظور تدریس مؤثر علم باید :

۱- با لباس پاك ومنظ صنف برود .

۲- پیش از رفتن به صف پلان درسی داشته باشد .

۳- پلان درسی را مطابق ساعت درسی آماده سازد .

٤- به هنگام تدریس از روشهای گوناگون استفاده نماید .

٥- به وقت معین داخل صنف شود

٦- خود را به حیث یك همکار به شاگردان معرفی نماید .

۷- درس را با گفتن بسم الله الرحمن الرحیم شروع کند .

۸- به هنگام داخل شدن به صنف سلام بدهد .

۹- برای تدریس فضای مساعد را آماده سازد .

۱۰- حاضری شاگردان را بگیرد .

۱۱- کار خانگی شاگردان را دیده واصلاح کند .

۱۲- با نظر داشت مقوله (کلموا الناس علی قدر عقولهم) .

مطابق به سویه شاگردان درس بدهد .

۱۳- به هنگام تدریس به ارزیابی شاگردان خود بپردازد .

۱٤- در میان شاگردان حسن نیت وفضای برادری را ایجاد نماید .

۱۵- شاگردان را در پروسه تدریس سهیم سازد .

۱٦- به خاطر مؤثریت تدریس شاگردان خود را بشناسد .

۱۷- در ختم درس برای شاگردان وقت واجازه سوال نمودن را بدهد.

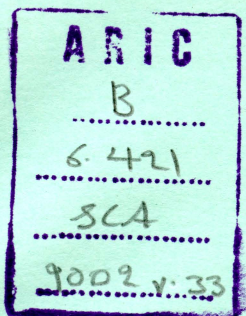
۱۸- به شاگردان وظیفه خانگی بدهد .

۱۹- به هنگام تدریس از مواد محیطی ارزان وساده کار بگیرد.

۲۰- به سوالهای شاگردان چنان پاسخ بدهد که در آینده روحیه واستعداد سوال کردن در آنها ضعیف نشود ..

۲۱- به شاگردان بفهماند که پرسشها وتمرینهای این کتاب را در کتابچه های خود نوشته وحل نمایند .

فهرست



ناشر:





مؤسسه تحویل کننده: سویدن

و بازار مشترک اروپا (EC)

سال چاپ: ۱۳۷۸ هـ.ش

تعداد ۳۷۹۲

طبع: Rehmat Printing Press

حمد

حمد گویم ذات پاکت را شب و روز ای خدا
می سزد مر ذات پاکت را یقین حمد و ثناء

کس نبود از تو مقدم ذات پاک تو قدیم
جمله را پیدا تو کردی میکنی آخر فناء

هستی تو معبود و موجود هم منزه از زوال
جز رضای تو نباشد هیچ شی مقصود ما

از زن و فرزند پاک هستی منزه زین صفات
وز صفات خلق باشی تو منزه هم صفا

ذات پاک تو بود حیُ منزه از ممات
کردهٔ وز لطف خود ایمان بمایان تو عطا

جمله را کردی تو پیدا میکنی آخر هلاک
کی کسی را چارهٔ گفتار چون و یا چرا

فیض محمد ذاکر نام خدا شو هر نفس
هر زمان می گوئی یارب رَبنَا هم اِهدِنَا

« فیضی »

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : صنف به دو گروپ تقسیم گردیده، شاگردان گروپ اول بیت بیت درس را قرائت نمایند و شاگردان گروپ دوم معنی نمایند و معلم با آنها در قرائت و معنی کمک نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- لایق حمد و ثناء کیست ؟

۲- هست کنندهٔ و نابود کننده مخلوقات کیست ؟

۳- خداوند از کدام صفات پاک است ؟

۴- آیا در برابر خداوند (ج) چون و چرا نمودن امکان دارد ؟

۵- خداوند از لطف خود بما چه داده است ؟

فعالیت گروپی : صنف به گروپ های پنج نفری تقسیم گردیده و هر گروپ شاگردان راجع به صفات خداوند (ج) فکر کرده و بحث نمایند . نماینده گروپ خلص بحث را به دیگران بیان دارد.

کارخانگی : هر نفر شاگرد ده صفت خداوند (ج) را پیدا کرده و در کتابچه خود بنویسید .

لغات مربوط به این درس :

حمد - ثنا و صفت خداوند.

مقدم - پیش یا پیشرفته

فنا - نیست شدن، نابود شدن

معبود - پرستش شده

منزه - پاک

زوال - شکست و نابودی

حی - زنده

عطا - بخشش

ممات - مرگ ، مردن

ربنا - ای پروردگار ما

اهدنا - هدایت کن مارا

نعت

شکر حق راکه پیشوا داریم | پیشوای چو مصطفی داریم
بهتر و بهتر وگزین همه | سرو و خاتم و نگین همه
او شریعت بیان کند ما را | او طریقت عیان کند ما را
صلوات خدای بروی باد | تا به روز جزا پیاپی باد
دوست او و دوستدار اوئیم | دوستدار چهار یار اوئیم
چون ابوبکر و عمر و عثمان | مرتضی دان علیهم الرضوان

رحمت حق نثار یارانش
باد بر جمله دوستدارانش

« عطار »

نعت - ستایش پیغمبر
پیشوا - رهبر
بهتر - بزرگتر
گزین - پسندیده
سرور - پیشوا ، رئیس
خاتم - آخرین .

شریعت - دین و مذهب .
عیان - معلوم ، واضح
صلوات - درود و سلام
روز جزا - روز قیامت
نثار - قربان ، پراگندگی ، بخشش ، پاشیدن

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار :

صنف به دو گروپ تقسیم گردیده ، یک گروپ شاگردان بیت بیت بخواند و گروپ دیگر معنی کند و معلم در عین حال با آنها کمک نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- حضرت محمد ص چه اوصاف داشت ؟

۲ - حضرت محمد ص برای ما چه چیز را بیان کرده است ؟

۳ - ما دوستدار کدام کسان هستیم ؟

۴ - رحمت حق نثار کدام کسان باشد ؟

فعالیت گروپی : راجع به اوصاف حضرت محمد ص در گروپ های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : درود شریف که در نماز می خوانید معنی آنرا از امام مسجد تان پرسیده و در کتابچه های تان بنویسید وهم آنرا حفظ نمائید .

علم

علم نوریست که قلب و دماغ انسان را روشن می سازد و او را از گمراهی نجات بخشیده به طرف کامیابی نزدیک می سازد.

جهل و نادانی تاریکی است که انسان را به هزاران خوف و خطر، ذلت و خواری مبتلا می سازد.

خداوند ج در قرآن عظیم الشان در مورد عالم و جاهل می فرماید: «آیا برابر اند کسانیکه عالم اند و کسانیکه بی علم اند» یعنی هرگز علم و جهل، عالم و جاهل باهم مساوی و برابر نمی باشد.

زیرا عالم به آموختن علوم اسلامی و عمل بر آن نیک بختی دنیا و آخرت را بدست می آورد ولی جاهل در هر دو جهان به دردها و مصیبت ها گرفتار میباشد.

هیچ چیز بالاتر از علم نیست زیرا انسان به واسطه علم خود را میشناسد و به خداوند معرفت حاصل می کند و عزت و آبرو بدست می آورد.

پس اولتر از همه باید علم دین را بیاموزیم و بر آن عمل کنیم و بعد آنچه مربوط به تخنیک و صنعت است کسب نمائیم زیرا در زندگی به علم تخنیک و سائنس نیز ضرورت داریم .

برای اینکه در زندگی احتیاج بیگانگان نباشیم و دست ما به سوی کفار دراز نباشد باید خودرا به سلاح علم مجهز نموده و در راه دفاع از عقیده و ایمان ، قطع و دفع توطئه‌ها و دسائس دشمنان مبارزه وجهاد نمائیم و از طریق علم وسایل آسودگی مسلمانان را تهیه نمائیم تا سربلند و سرفراز زندگی کنیم .

ذلت - خواری

جهل - نادانی

سلاح - آلات جنگ

مجهز - آماده

توطئه - آماده کردن ، زمینه سازی .

دسایس - مکر و حیله‌ها

سرفراز - کامیاب و سربلند .

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : درس را پنج نفر شاگرد بخوانند و سایر شاگردان راجع به مفهوم آن از آنها سوال نمایند و معلم با آنها کمک نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- علم مانند چیست ؟
۲- جهل چرا تاریکی است ؟
۳- در قرآن کریم راجع به مرتبهٔ عالم و جاهل چه گفته شده است ؟
۴- برای اینکه از احتیاج بیگانگان خلاص شویم چه کنیم ؟
۵ - کسب کردن کدام علم بالای ما فرض است ؟

فعالیت گروپی : راجع به فضیلت علم در گروپ های تان بحث نموده و نماینده گروپ نتیجه بحث را در پیشروی صنف بیان دارد .

کارخانگی : به نظر شما عالم از جاهل چه برتری دارد، خوبی های عالم را در کتابچه های تان بنویسید .

حکایت

یکی خوب کردار و خوش خوی بود — که بدسیرتان را نکوگوی بود
به خوابش کسی دید چون درگذشت — که باری حکایت کن از سرنوشت
دهانی به خنده چو گل باز کرد — چو بلبل به صوتی خوش آغاز کرد
که بر من نکردند سختی بسی — که من سخت نگرفتمی بر کسی

« سعدی »

کردار ـ عمل و رفتار
بدسیرت ـ بد اخلاق
درگذشت ـ فوت کرد
صوت ـ آواز
آغاز ـ شروع
بسی ـ بسیار

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : سه نفر شاگرد درس را بخواند و مفهوم آنرا بیان دارد.

سوالات برای ارزیابی :

۱- کسی بعد از مرگ کی را بخواب دید ؟

۲ - از وی چه پرسید ؟

۳ - مرده در خواب چه جواب داد ؟

۴ - خداوند (ج) چرا وی را بعد از مرگ عذاب نداد ؟

فعالیت گروپی : راجع به خوبی های اخلاق خوب در گروپ های تان بحث نموده و نماینده گروپ خلص نظریات اعضای گروپ را در پیشروی صنف بیان دارد .

کارخانگی : شعر را به دقت بخوانید و مفهوم آنرا به نثر ساده بنویسید .

مادر و گرگ

گویند گرگی به تلاش یافتن غذا از خانه خود بیرون شد . در جنگلی سرگردان می گشت . ناگاه نزدیک خانهٔ چوب شکنی که در بین جنگل بناء شده بود رسید . درهمین وقت آواز گریهٔ طفلی را شنید و به تعقیب آن آواز مادرش را شنید که به طفل خود می گفت: « خاموش شو وگرنه ترا بیرون می اندازم که طعمه گرگ شوی ». گرگ از شنیدن این حرف تمام روز انتظار کشید که شاید مادر طفل خود را بیرون اندازد . وقتی شام شد دوباره آواز مادر طفل را شنید که به طفل خود می گفت : بسیار خوب شد که از گریه خاموش شدی حالا اگر گرگ بیاید او را خواهم کشت .

« گرگ از شنیدن این حرف مأیوس شده خسته و ذله با شکم گرسنه به خانه برگشت . وقتی خانمش از او پرسید چرا با شکم گرسنه برگشتی ؟ گرگ جواب داد : به سببی که من به وعده و گفتار ضعیف اعتماد کردم »

تلاش - کوشش | طعمه - خوردنی | خسته - مانده و ذله
بناء - آباد | مأیوس - نا امید | اعتماد - تکیه کردن ، باور

فعالیت های بعد از درس :

مشق وتکرار: معلم درس را قسم املأ به شاگردان بخواند وشاگردان بنویسند و بعد معلم نوشته های آنها را اصلاح نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- گرگ به کجا رفت ؟

۲- گرگ از مادر طفل چه شنید ؟

۳- وقت شام مادر به طفل خود چه گفت ؟

۴- گرگ به خانم خود چه گفت ؟

فعالیت گروپی : از حکایت فوق چه نتیجه گرفتید درگروپ های تان درمورد آن بحث نمائید ونمایندهٔ گروپ خلص نظریات اعضای گروپ را به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : حکایت را به اعضای فامیل تان بیان کنید واز آنها بپرسید که فایدهٔ آن چیست ؟ جواب آنها را درکتابچه های تان بنویسید.

مشورت

مشوره کردن در کارها و مشکلاتی که برای انسان پیش می شود یک امر شرعی می باشد چنانچه خداوند ج در قرآن کریم به حضرت محمد ص هدایت داده است که : « در کارها با اصحاب و یاران خود مشورت بکن » .

ازین هدایت خداوندی دانسته میشود که مشورت در کارها اهمیت زیاد دارد زیرا حضرت محمد ص با اینکه پیغمبر خدا ع و از جمله برگزیده ترین انسانان بودند حق تعالی ایشان را به مشورت و مصلحت با یاران امر فرموده است .

مشوره در کارها فایده های زیاد دارد و کارهای که خود سرانه و بی مشورت انجام می شود عاقبت خوب نداشته ناقص و ناتمام می ماند .

کارهای که به مشورت اشخاص دانا و با تجربه صورت می گیرد

مشوره - مصلحت کردن تعالی - بلند و بزرگ

برگزیده - پسندیده

نواقص کم داشته و مورد قبول همه قرار میگیرد.
یک شخص به فکر کوتاه خود نمی تواند از تمام جوانب یک موضوع آگاهی یابد. پس برای همه مسلمانان لازم است که در همه امور حیاتی خویش با پیروی از قرآن کریم و احادیث حضرت محمد با اشخاص عالم و دانا و مخلص مشوره نمایند.

فعالیت های بعد از درس :

مشق وتکرار : چهار نفر شاگرد درس را قرائت نمایند و بعداً سایر شاگردان راجع به مفهوم آن از آنها سوال نمایند .

سوالات برای ارزیابی :

۱- مشورت چه فایده دارد ؟

۲- آیا پیغمبر(ص) با یاران خود مشورت میکرد ؟

۳- باکدام اشخاص مشوره صورت بگیرد ؟

۴- کارهای خودسرانه چه نواقص دارد ؟

۵- اسلام در مورد مشورت چه هدایت میدهد ؟

فعالیت گروپی :

درمورد فایده مشوره درگروپ های تان بحث نموده ونتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : از امام مسجد تان بپرسید که خداوندکریم درکدام آیت مارا به مشوره کردن امر نموده، آن آیت را با معنی آن بنویسید وهم آنرا حفظ نمائید .

بهار و دهقان

بهنگام بهاران — که گل خندد به گلزار
جفاکش بابه دهقان — بدستش یوغ و اسپار
بپایش نالی چوب — کمر بسته به دستار
رود سوی زمینش — زند بیل و کند کار
کند قلبه و ماله — دهد کشت خود انبار
بکارد گندم و جو — جواری نیز بسیار
هم از شالی و پنبه — تخم ریزد به خروار
کند خدمت به مردم — نباشد هیچ بیکار
تو هم خود را تکان ده — الا ای طفل هوشیار
بیا بیرون به صحرا — ببین کشت و ببین کار
که هنگام بهاران — کند خورد و کلان کار

روان شو سوی مکتب
بذوق و شوق بسیار

جفاکش - زحمت کش | هنگام - وقت.
نالی - پاپوش چوبی | انبار - سرگین چهارپایان و یا چیزهای دیگر که روی هم انباشته شده باشند.

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : شاگردان دو دو نفر در برابر هم قرار گرفته یک شاگرد بخواند و شاگرد دیگر معنی کند و معلم با آنها کمک نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- بابه دهقان در وقت بهار چه می کند ؟
۲- وسایل زراعتی را نام بگیرید ؟
۳- دهقان خدمت کی را میکند ؟
۴- پس شما چه وظیفه دارید ؟

فعالیت گروپی : در گروپ های تان راجع به وسایل زراعتی و طریقه استفاده از آنها بحث نموده ، نماینده گروپ خلص بحث را در پیشروی صنف به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : شعر را به دقت بخوانید و مفهوم آنرا به الفاظ ساده در کتابچه های تان بنویسید .

فایدهٔ اتحاد

پیرمرد سالخورده و جهاندیده که عمرش به آخر رسیده بود واز گرم وسرد روزگار تجربه ها آموخته بود ، فرزندان خود را طلب کرد و برای آنها گفت بروید هرکدام تان یکدانه خمچه بیاورید . فرزندان امر پدر را عملی نمودند وخمچه ها را آوردند . مرد پیر خمچه ها را بسته نمود و فرزندان خود را به شکستن آن امر کرد .

آنها چندانکه قوت کردند شکستانده نتوانستند به ضعیفی و عاجزی خود اقرار نمودند . پیر جهاندیده بسته را از آنها گرفت و خمچه ها را یکایک برآورد و خورد کرد . آنگاه رو به فرزندان نمود و گفت : ای فرزندان دلبند ! بعد از مرگ من حال شما به همین قسم است ، اگر باهم دوستی و اتفاق کنید ویک دست ومتحد باشید هیچ قوی پنجهٔ نمی تواند شما را شکست بدهد و اگر دشمنی ونفاق ورزید ، انسان های ضعیف از نفاق شما استفاده خواهد نمود وشما را شکست خواهد داد .

سالخورده ـ پیر

جهاندیده ـ جهان گشت و با تجربه

دلبند ـ کسی را که واقعاً دوست داشته باشیم .

قوی پنجه ـ قوی دست .

فعالیت های بعد از درس :

مشق وتکرار : چهار نفر شاگرد درس راقرائت نمایند وبعداً همان چهارنفر به ترتیب از سائر شاگردان راجع به مفهوم آن سوال نمایند .

سوالات برای ارزیابی :

۱- پیر سالخورده چه کرد ؟

۲- هدف پیر ازین عمل چه بود ؟

۳- پیر پسران خودرا چه نصیحت کرد ؟

۴- دشمن چه وقت ازعمل ما فایده می برد ؟

فعالیت گروپی : ۱- معلم درس را قسم املاء به شاگردان بخواند وآنها بنویسند واعضای گروپ نوشته یکدیگر را اصلاح نمایند ومعلم درعین حال کارآنها رانظارت نماید .

۲- معلم باید بعداز قرائت درس چهار شاگرد را وظیفه بدهد که هریک با خود یک خمچه بیاورد و بعداً در پیش روی شاگردان آن رایکجا نموده به هریک بدهد تا آنهارا میده نمایند و بعداً معلم یک ، یک را میده نماید ونتیجه کارخودرا به شاگردان بیان نماید تا درس جنبه عملی را با خود بگیرد .

کارخانگی : ازموسفیدفامیل تان راجع به اتحاد بپرسید وجواب های اورا درکتابچه های تان بنویسید.

ای نور دیده

ی نور دیده زحمت دهقان ندیده یی ‏‏ در بیت خویش سفرهٔ بی نان ندیده یی

ن تیار پخته برای تو می رسد ‏‏ جان آسیاب و مرکب و انبان ندیده یی

شیر و ماست و دوغ ترا عیش و عشرت است ‏‏ افسوس ازین که زحمت چوپان ندیده یی

دربا، کباب و قورمه کنی نوش جان خود ‏‏ ایجان طلب پول ز قصابان ندیده یی

ای فرش پنبه و قالین و هم گلیم ‏‏ خاک زمین و ریگ بیابان ندیده یی

حن خانه همچو غزالان به عیش و ناز ‏‏ جان پدر تو گردش دوران ندیده یی

ستی تو فارغ از غم آل و عیال و زن ‏‏ ای جان من تو گریه طفلان ندیده یی

مت ز والدین بکن جان درین سرا ‏‏ بنگر حقوق شان تو به قرآن ندیده یی

دستگیر هر فقیر و هر مسکین و بینوا

بنگر حقوق شان بخود ایجان ندیده یی

ده - چشم	مرکب - خره	غزالان - آهو بره ها
ت - خانه	انبان - جوال	دوران - زمانه
فره - دسترخوان	عشرت - خوشی	بینوا - مسکین و بیچاره

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : شاگردان دو دو نفر در برابر هم قرار گرفته بیت بیت بخوانند و نفر طرف مقابل معنی نماید و معلم با آنها کمک کند.

سوالات برای ارزیابی :

۱- ای نور چشم تو چه چیز ها را ندیده ای ؟

۲- تمام مشکلات را کدام کس حل می نماید ؟

۳- برای اینکه برای مقابله با مشکلات آماده شویم چه کنیم ؟

۴- با والدین چرا نیکی کنیم ؟

۵- با فقیر و مسکین چه کنیم ؟

فعالیت گروپی : راجع به حقوق والدین در گروپ های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد.

کار خانگی : شعر را در خانه به برادران و خواهران تان بخوانید و عکس العمل آنها را در کتابچه های تان بنویسید.

از سخنان بزرگان

۱- غم و ناامیدی صفت مردم بیکاره میباشد.

حضرت علی (رض)

۲- هرکه به مجلس داخل شود هیبتناک میباشد پس دخول را به تحیه وسلام آغاز کنید.

ابن عباس (رض)

۳ - خداوند تبارک وتعالی ترا آزاد آفریده است بکوش تاهمچنان که آزاد آفریده شده یٔ آزاد زندگی کنی.

امام شافعی (رح)

۴- شخص حسود همیشه در تشویش بوده راحت ندارد.

احنف ابن قیس (رض)

۵- انجام کارهای بزرگ افتخار آمیز است ولی رجزخوانی آنرا باطل می کند.

سید جمال الدین افغانی

۶- فرومایه ترین انسانها کسی است که حیات خود را در نابودی دیگران می جوید و پُرمایه ترین مردم کسی است که برای نجات دیگران ولو یک نفر هم باشد خود را قربان می سازد.

سید جمال الدین افغانی

حسود - رشک برنده، کینه جو　　　پرمایه - با عزت، مفید

رجز - خود ستایی.

تحیه - سلام دادن

فرومایه - پست

فعالیت های بعداز درس :

مشق وتکرار : هریک از سخنان بزرگان رایک نفرشاگرد بخواند وشاگرد دیگر آنرا معنی نماید و در اخیر یک نفر شاگرد درس را داوطلب طورمکمل بخواند .

سوالات برای ارزیابی :

۱- انسان حسود چرا تشویش می کند ؟

۲- صفت مردم بیکاره چیست ؟

۳- فرومایه ترین مردمان کدام کسان اند ؟

۴- کدام عمل انجام کارهای نیک را باطل می سازد ؟

۵- چه قسم زندگی کنیم ؟

فعالیت گروپی : شاگردان صنف رابه شش گروپ تقسیم نموده و به هرگروپ یک فقرهٔ درسی وظیفه دهید تا آن را یاد نمایند وبعداً نمایندهٔ هرگروپ درمظهرشاگردان تکرارنماید. صفات مردم بیکاره وناهل از نظر شما چیست ، دریمورد درگروپ های تان بحث نموده ونتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : هرشاگرد دوحدیث پیغمبر ص را درباره حسد ونا امیدی پیدانموده ودرکتابچه های تان بنویسید.

غزوه اُحد

کفار مکه بخاطر انتقام کشتگان خود در جنگ بدر لشکر بزرگی را که تعداد آنها به سه هزار مرد جنگی می رسید تحت قوماندانی ابوسفیان آماده ساخت و غرض مقابله با مسلمانان طرف مدینه منوره حرکت نمودند.

وقتیکه حضرت محمد (ص) از موضوع اطلاع یافت مسلمانان را جمع نموده و تصمیم گرفتند که در دامنه کوه اُحد (که در نزدیکی مدینه منوره واقع است) به جنگ بپردازند.

قوای مسلمانان که تعداد شان به هفتصد نفر می رسید تحت قوماندانی حضرت پیغمبر (ص) در دامنه کوه احد ترتیبات جنگ را گرفتند و به تعداد پنجاه نفر تیرانداز ماهر را به سرکردگی عبدالله بن جبیر (رض) در بالای درهٔ که در پهلوی کوه احد واقع بود و خطر حمله دشمن از آن طرف متصور بود مؤظف نمودند و برای شان گفتند اگر ما کامیاب شدیم و یا شکست خوردیم ازینجا حرکت نکنید.

در نیمه ماه شوال سال سوم هجری جنگ شروع شد و مجاهدین کامیاب شدند و به جمع آوری غنایم پرداختند. اشخاصیکه بالای

ردنهٔ کوه وظیفه محافظت دره را به دوش داشتند دیدند که مسلمانان
امیاب شدند و جنگ خاتمه یافت ، بخاطر اینکه در جمع آوری
غنایم حصه بگیرند چند تن از آنها با وجود ممانعت عبدالله بن جبیر
پائین آمدند . عبدالله بن جبیر با یازده نفر به وظیفه خود باقی ماند.

چون لشکریان ابوسفیان گردنهٔ کوه را خالی دیدند بالای آنها حمله نمودند و محافظین دره بعد از مقاومت زیاد به شهادت رسیدند و سپاهیان اسلام که از عقب خاطرجمع بودند ناگهان تحت هجوم دشمن قرار گرفتند.

جنگ نهایت سخت درگرفت و درنتیجهٔ آن به تعداد هفتاد نفر از مسلمانان شهید شدند حضرت حمزه رض کاکای پیغمبر ص نیز درجمله شهدا بود . حضرت محمد (ص) نیز زخمی گردیده و دندان مبارک شان شهید شد.

ظاهراً هرگونه اسباب شکست مسلمانان به نظر می آمد.

درهمین وقت وحی الهی به آنحضرت ص نازل گردید و فرمود:
سست مشوید و اندوهناک مباشید شما غالبید اگر ایمان دارهستید.

آن ندای الهی دل های شکستهٔ مسلمانان را پیوند نمود و با وجود خستگی زیاد دوباره بر مشرکان حمله ور شدند و کفار مقاومت را از دست داده از میدان جنگ گریختند و کامیابی نصیب مسلمانان گردید .

انتقام - بد گرفتن ندا - آواز ، صدا

مقاومت - صبر و پایداری

مؤظف - وظیفه دار

هجوم - حمله

اندوهناک - غمگین

غالب - کامیاب

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد درس را قرائت نماید و دو نفر شاگرد داوطلب خلص جریان غزوه را در پیشروی صنف بیان دارد .

سوالات برای ارزیابی :

۱- غزوه احد چه وقت واقع شد ؟

۲- تعداد لشکریان مسلمین و کفار چند نفر بود ؟

۳- نتیجه جنگ چه شد ؟

٤- عبدالله بن جبیر رض در کجا و به چه ترتیب شهید شد ؟

۵- تعداد شهدای مسلمین چند نفر بود و از جمله آن نام کی را گرفته می توانید ؟

فعالیت گروپی : نتیجه عدم اطاعت امر امیر چه بدی دارد ، در مورد در گروپ های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کار خانگی : از امام مسجد تان سوال نمائید که جریان یکی از غزوات دیگری را که در دول اسلام رخ داده باشد برای تان بیان دارد و شما آنرا در کتابچه های تان بنویسید .

فضیلت علم

مرد ناخوانده کجا خط دان شود
مرد ناخواسته کجا مهمان شود

تا نپرسد راهرو راه از کسی
آدم نادان کجا راه دان شود

گر کسی را ذوق وشوق علم نیست
عاقبت دان ابله و نادان شود

گر به خوردی نیست کس مایل به علم
وقت پیری عاقبت حیران شود

در جوانی هر که شد مایوس علم
در زئیری مفلس و دربان شود

تو مشو مغرور به میراث پدر
بی هنر محتاج یک قیران شود

دین و دنیا می شود حاصل ز علم
جاهلان را خانه اش ویران شود

روزی هر کس به قدر قسمتش
کاسبان را زین سبب ارزان شود

عالمان و کاسبان باعزت اند
فرق در جهال و در ایشان شود

فیضی را عزت بود از علم دین
این همه از فضل حق سبحان شود

«فیضی»

ابله - نادان | مایوس - ناامید | مفلس - غریب
مایل - توجه داشتن | زئیری - پیری، ناتوانی | کاسبان - پیشه وران

فعالیت های بعد از درس :

تمرین و تکرار : شاگردان دو دو نفر در برابر هم قرار گرفته بیت بیت بخوانند شاگرد طرف مقابل وی آنرا معنی نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱ـ کدام کس خط دان و با سواد نمی شود ؟

۲ـ در پیری کدام کس مفلس و دربان می شود ؟

۳ـ با عزت کدام کسان اند ؟

٤ـ آن کس که ذوق علم ندارد عاقبت چه می شود ؟

فعالیت گروپی : راجع به فضیلت علم در گروپ های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد.

کارخانگی : شعر را به دقت بخوانید مفهوم آنرا به الفاظ ساده در کتابچه های تان بنویسید .

از سخنان خواجه عبدالله انصاری

بدانکه بهترین کارها شناختن خدای تعالی است ، اول خدارا باید شناخت که اول چیزها شناخت اوست .

اگر همه ندهند او بدهد ، چون دهد کسی نتواند بستاند و چون ندهد کسی نتواند بدهد .

اورا نگاه دار تا او ترا نگاه دارد .

عمر را در پرستش او خرج کن که حساب خرج او خواهد خواست .

قرآن را پیشوا دان ، نماز ، روزه و زکات و حج بگذار وحق را فراموش مکن ، صبور باش تا به مراد برسی .

در هر کاری یاری از حق طلب .

نان همه کس را مخور و نان خود را از هیچ کس دریغ مدار و جامه را پاک کن .

خویشان و درویشان را دل خوش دار .

بدترین عیب پرگفتن را دان .

عمر را به نادانی به آخر مرسان .

از آموختن علم و پیشه عار مدار .

مگوی با کسی چیزی را که آنرا نتوانی شنید .

بستاند - بگیرد

خرج - مصرف

مراد - مقصد

دریغ - منع کردن

عار - ننگ

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد داوطلب درس را قرائت و مفهوم آنرا بیان دارد.

سوالات برای ارزیابی :

۱- اول کی را بشناسیم ؟

۲- شناخت خداوند (ج) چه فایده دارد ؟

۳- بدترین عیب ها چیست ؟

٤- عار از چه نکنیم ؟

۵- عمر خود را چه قسم به آخر برسانیم ؟

فعالیت گروپی : پر گفتن چرا بدترین عیب ها است ، در مورد در گروپ های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد.

کار خانگی : از یکی از علمای قریه تان راجع به زندگی خواجه عبدالله انصاری (رح) پرسان نموده و جواب او را در کتابچه های تان بنویسید .

اشعار برگزیدهٔ شعرای معاصر

هزاره کیست، پشتون کیست تاجک چیست ازبک چیست
اساس فرقه سازی های استعمار را بشکن
تو چون فرزند اسلامی شعارت نیست جز، توحید
ز محراب مجدد پرچم کفار را بشکن

« استاد خلیلی »

الهی سوگوار است نام میهن — شده لبریز از خون جام میهن
خطا نبود اگر در قلب تاریخ — شهیدستان نویسم نام میهن

« ملکزاد »

ادب پیرایه ای نادان و داناست — خوش آن کو از ادب خود را بیاراست
ندارم آن مسلمان زاده را دوست — که در دانش فزود و از ادب کاست

« اقبال »

بی علم ترقی نتوان داد وطن را — افراد هنرور کند آباد وطن را
ای کاش که عالم شود افراد وطن را — محکم شود از مدرسه بنیاد وطن را

« مستغنی »

فرقه - طایفه، گروه
پرچم - بیرق
سوگوار - غم زده
نام - مادر
میهن - وطن
پیرایه - زینت دادن
دانش - علم
کاست - کم کرد
بنیاد - تهداب

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : چهار نفر شاگرد به ترتیب یک یک شعر را بخواند ورفیق پهلویش آنرا معنی کند.

سوالات برای ارزیابی :

۱- فرقه سازی ها کار کیست ؟
۲- چرا وطن خود را شهیدستان نام میگذاریم ؟
۳- کدام اولاد مسلمان را دوست ندارم ؟
٤- پایه های مملکت بواسطه چه محکم می شود ؟

فعالیت گروپی : راجع به شعر اقبال درگروپ های تان بحث نموده ونتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد.

کارخانگی : هر شاگرد پنج بیت را پیدا کرده و آنرا در کتابچه های تان بنویسید.

حضرت محمد (ص) پیغمبر خدا

حضرت محمد (ص) پیغمبر و فرستاده الله (ج) است ما بندگان خدا (ج) و پیروان پیغمبر (ص) او هستیم .

حضرت محمد (ص) پسر عبدالله بود ، مادرش بی بی آمنه نام داشت . حضرت محمد (ص) به روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول سال ۵۷۰ (یا ۵۷۱) میلادی در شهر مکه معظمه به دنیا آمد . پدر آنحضرت (ص) قبل از تولدش وفات یافته بود . آن طفل یتیم را مطابق رسوم اهل مکه به دایه سپردند و حضرت محمد (ص) چهار سال اول زندگانی خود را در شهر طایف در قبیله بنی سعد تحت تربیه بی بی حلیمه دایه خود سپری نمود . هنوز بیش از شش سال از عمر مبارک او نگذشته بود که مادرش نیز وفات شد .

درین وقت عبدالمطلب پدرکلانش سرپرستی نواسه خود را به دوش گرفت و همیشه او را با خود نگهمیداشت و از هیچ نوع لطف و مهربانی در حصه وی دریغ نمی ورزید .

زیاده از دو سال نگذشته بود که حضرت محمد (ص) از سایهٔ

پر لطف و مرحمت پدر کلان بی نصیب گردیده و پدر کلانش نیز وفات نمود و قرار وصیت عبدالمطلب سرپرستی حضرت محمد ص را کاکایش ابوطالب قبولدار گردید.

حضرت محمد ص از کودکی باهوش و با ادب بود با مردم به اخلاص و صداقت پیش آمدی کرد. در امانت داری مشهور بود، مردم امانات شان را برایش می سپردند و ازهمین سبب در بین مردم به محمد امین شهرت داشت. حضرت محمد ص در خورد سالی چنان رویه و اخلاق نیکو داشت که حتی اشخاص سالخورده و با تجربه از آن بی نصیب بودند.

در آن جایکه جهل خصوصیت اکثریت مردم را تشکیل میداد او همیشه راستگو، صداقت کار، امانت دار، دوست و غمخوار مظلومین و بیچارگان بود، پس بر ما لازم است که از پیغمبر خود پیروی نموده و از همین حالا صفاتی را که او در خورد سالی داشت به خود اختیار نمائیم و خود را امین جامعهٔ خود بسازیم.

وصیت - سفارش

سالخورده - پیر و دارای عمر زیاد :

فعالیت های بعد از درس :

مشق وتکرار : درس را معلم قسم املاء به شاگردان بخواند وشاگردان آنرا بنویسند وبعد معلم نوشته های آنها را اصلاح نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- حضرت محمد (ص) چه وقت و درکجا تولد گردیده است ؟

۲- عبدالمطلب کیست وبا پیغمبر (ص) چه کرد ؟

۳- حضرت محمد (ص) چه رویه وکردار داشت ؟

۴- حضرت محمد (ص) را چرا امین می گفتند ؟

فعالیت گروپی : راجع به اخلاق پیغمبر (ص) درگروپ های تان بحث نموده ونتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : حضرت محمد (ص) با بزرگان چگونه رویه میکرد ، درینمورد از یکی ازعلمای قریه تان سوال نموده وجواب اورا درکتابچه های تان بنویسید .

حکایت

مردی چشم درد بود خواست چشمانش را درمان کند، نزد بیطار رفت. بیطار آنچه در چشم چارپایان میکرد در چشم او کشید آن مرد کور شد.

مرد کور شکایت به حاکم کرد، حاکم به وی گفت بر و هیچ تاوان نیست زیرا اگر تو خر نبودی نزد بیطار نمی رفتی.

ندهد هوشمند روشن رای	به فرومایه کارهای خطیر
بوریا باف اگرچه بافنده است	نبرندش به کارگاه حریر

درمان - تداوی

بیطار - داکتر چهارپایان

هوشمند - هوشیار

روشن رای - روشن فکر

فرومایه - ناکس، نادان

خطیر - بزرگ

کارگاه - کارخانه

حریر - ابریشم

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد درس را قرائت نمایند و در اخیر دو نفر شاگرد داوطلب آنرا معنی کنند و معلم درعین حال با آنها کمک نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- مردیکه چشم درد بود نزد کی رفت ؟

۲- بیطار برای او چه داد ؟

۳- چرا چشم او کور شد ؟

۴- حاکم چه فیصله نمود ؟

۵- کار را باید به کی بسپاریم ؟

فعالیت گروپی : راجع به دو بیت اخیر درس درگروپ های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : این حکایت را شب در خانه به اعضای فامیل تان بیان دارید و راجع به نتیجه آن از آنها سوال نمائید و نتیجه گیری را در کتابچه های تان بنویسید .

احساس یک مادر

شب تاریک، خوفناک و کوچه پر از لای بود. در آخرین نقطهٔ کوچه دروازهٔ رنگ رفته و شکسته‌ای معلوم می شد که نظر هر رهگذر با احساس و دل شکسته را بخود جلب میکرد و این احساس را در دل انسان بیدار می ساخت که چه انسان مظلوم و بیچاره‌ٔ درین جا زندگی می کند.

من هم به همین فکر براه خود ادامه دادم تا به نزدیک این خانه رسیدم و خیال عبور داشتم که دفعتاً آواز گریه و زاری بگوشم رسید و مرا از رفتن مانع شد. با دل بسیار لرزان ایستادم و شنیدم مادری بالای جسد پسر جوان مرگ خویش ناله می کند و می گرید و می گوید:

وای پسر مجاهدم، پسر مسلمان و باغیرتم، پسر وطن دوست و شهیدم، افتخار بر تو که خود را فدای دین و وطن عزیزت نمودی و مرگ با افتخار یعنی شهادت را نصیب شدی.

وای بر حال من که مرا درین دنیا تنها گذاشتی و پس از

شهادت پدرت زخم بر زخم افزودی و غم نامرادی مرا افزون تر ساختی .

پس ازین به کی روی بیاورم و از کدام کسان کمک بخواهم و با کی درد دل نمایم ، من هم زیاده ازین نتوانستم حوصله نمایم . خود را شامل ماتم آن مادر غم دیده ساخته داخل خانه شدم نمی دانستم به کدام زبان و به چه الفاظ آن دل داغدیده را دلداری بدهم ، بالاخره هزار دل را یک دل نموده گفتم :

مادرم ، مادر مهربانم ! تو میدانی فرزندت به خاطر چه جان خود را فدا نموده است ؟ او به خاطر خدا و حفظ آبرو و عزت برادران و خواهران خود جام شهادت را نوشیده است . تو خود را تنها ندانی تو تنها نیستی همه اولاد وطن با تو یکجا هستند .

مادر مهربان ! مرگ در وقت معین آن حتماً رسیدنی است ، پس مرگ با افتخار بهتر است یا زندگی ذلت بار ؟ آن روزها نزدیک است که آرمان شهدا برآورده

شود و لوای توحید در فضای آزاد افغانستان به اهتزاز آید و جشن پیروزی برگذار گردد.

لوا - بیرق

احساس - حس کردن

اهتزاز - حرکت، جنبیدن، تکان خوردن.

غارتگران - چور و چپاول کننده ها، چپاولگران.

فعالیت های بعد از درس :

مشق وتکرار : چهار نفر شاگرد درس را قرائت نمایند ومفهوم آنرا بیان دارند .

• سوالات برای ارزیابی :

۱- حکایت کننده از کجا می گذشت ؟

۲- در بین کوچه صدای کی را شنید ؟

۳- مادر بالای سر پسر[۲] جوانمرگ خود چه می گفت ؟

۴- رهگذر مادرش را چه قسم تسلیت داد ؟

فعالیت گروپی : راجع به وظیفه خود در برابر فامیل شهدا درگروپ های تان بحث نموده ونتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : هر شاگرد یک حکایت مانند « احساس یک مادر » را پیدا کرده و درکتابچه های تان بنویسید .

ای معلم

ای معلم وارث پیغمبری
در رهٔ حق رهنما و رهبری

بار بس سنگین بردوش شماست
این امانت را سیانت بس خطاست

کوکب رخشندهٔ دین ببین
بودهٔ ای الحق درروی زمین

اهل دانش را نوازش داده رب
یرفع الله آیت حسن ادب

مشعل دانش فروزان درجهان
تا شوی اندر شمار مخلصان

گنج بخش مخزن قرآن توئی
نور چشم دانش آموزان توئی

گفت جهید مدحت به رسم یادگار
خواست توفیق ترا از کردگار

«جهید»

بس - بسیار
سنگین - باوزن
کوکب - ستاره .
رخشنده - درخشان

مشعل - چراغ
مخزن - خزانه
دانش آموز - متعلم
مدحت - توصیف تو

فعالیت های بعد از درس :

مشق وتکرار : صنف به دو گروپ تقسیم گردیده یک گروپ شاگردان بیت بیت بخواند و گروپ دیگر معنی نماید و معلم در عین حال با آنها کمک نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- معلم وارث کی است ؟

۲- معلم چه بار سنگین را بدوش دارد ؟

۳- جهان بواسطه کی روشن می شود ؟

۴- نور چشم شاگردان کی است ؟

۵ - اصل دانش را کی نوازش داده است ؟

فعالیت های گروپی : شاگردان در گروپ های خود راجع به حقوق معلم بحث نموده و نتیجه بحث را نمایندهٔ گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : از پدر یا بزرگ فامیل راجع به حقوق معلم پرسان نمائید وجواب آنها را در کتابچه های تان بنویسید .

رقعهٔ مریضی

محترم سرمعلم صاحب مدرسهٔ ابوحنیفه (رح)

السلام وعلیکم ورحمة الله وبرکاته

اینجانب احمدفرید ولد احمدالله متعلم صنف پنجم الف نسبت مریضی که عاید حالم گردیده است برای خواندن دروس خویش به مکتب حاضر شده نمی توانم.

امیدوارم که معذرت مرا قبول کرده مریض معامله فرمائید.

با احترام

شاگرد شما احمدفرید

مورخهٔ روز سه‌شنبه ۹ میزان ۱۳۷۰ هـ

۱

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار :

معلم درس را قسم املا به شاگردان بخواند و آنها بنویسند وبعداً نوشته چند نفر را اصلاح نماید.

سوالات برای ارزیابی :

۱- عنوان رقعه به کدام کلمات شروع گردد ؟
۲ - در نوشتن رقعه ذکر کدام موضوعات ضروری است ؟
۳- آیا امضاء و تاریخ در رقعه گنجانیده شود ؟

کارخانگی : هر نفر شاگرد یک رقعه ضروری عنوان اداره مکتب بنویسد.

مطالعه

مطالعه یا خواندن عملی است که پرده های جهل و نادانی را از مقابل دیدگان انسان دور می سازد.

مطالعه است که برای انسان آگاهی می بخشد.

مطالعه معرفی همه خوبی ها است. با مطالعه انسان خبیر و بینا میگردد ، عالم می شود ، صاحب کمال میگردد. مطالعه برای انسان قوت و نیروی فکری میدهد.

مطالعه وسیله خوبی است برای قادر ساختن انسان در شناخت خوب و بد.

مطالعه انسان را تشویق می کند تا همیشه کار کند زحمت بکشد.

مطالعه برای همه می فهماند که چطور زندگی کند ، چه مسؤلیت های دارند و چگونه رفع مسؤلیت کنند ، مسؤلیت چیست ؟ و مسؤل کیست ؟ انسان ها به کدام راه بروند. یکی با دیگری چگونه ارتباط بگیرند احتیاجات خود و دیگران را چطور رفع بسازند ، مشکلات زندگی خود را چگونه حل نمایند.

مطالعه است که انسان را خدا شناس میگرداند .

در اثر مطالعه انسان با خود فیصله می کند که به خداوند (ج) عبادت نماید و بر قانون خداوندی (ج) بفهمد و مطابق آن عمل کند وهر شخص دیگری که خلاف قانون خداوند (ج) کاری نماید اورا نصیحت کند واز کارهای بد منع نماید .

بالاخره مطالعه باعث نیک بختی دنیا وآخرت است ازهمین جهت درقرآن کریم هم بسیار تاکید گردیده که انسان باید بخواند وباخواندن ومطالعه راه بهتر را انتخاب نماید وهمان راه را دنبال کند .

پس وقتیکه مطالعه این قدر منفعت ها را با خود همراه دارد باید همیشه کتاب های سودمند و مفید را بخوانیم وازآنها علم بیاموزیم ومطابق آن عمل نمائیم .

مطالعه - خواندن

خبیر - دانا

قادر - توانا

مسؤل - پرسیده شده

ارتباط - پیوستگی

دنبال - تعقیب

سودمند - مفید ، فایده مند

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار: درس را چند نفر شاگرد قرائت نمایند و بعداً معلم به شاگردان موقع دهد که راجع به مفهوم آن از معلم سوال نمایند .

سوالات برای ارزیابی :

۱- مطالعه چه فایده دارد ؟

۲- از مسایل زیاد بواسطه چه انسان با خبر می گردد ؟

۳- اگر مطالعه نکنیم چه ضرر می بینیم ؟

٤- در قرآن کریم در مورد خواندن چه حکم شده است ؟

۵- باید چه قسم کتاب ها را مطالعه نمایم ؟

فعالیت گروپی : راجع به فایده مطالعه در گروپ های تان بحث نموده ونتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : آیا شما کدام وقت مطالعه نموده اید ؟ کتاب های راکه مطالعه نموده اید نام آنها را در کتابچه های تان بنویسید .

عدالت حضرت عمر (رض)

شخصی از مردم مصر نزد حضرت عمر (رض) آمده شکایت کرد که:
در مسابقه اسپ دوانی اسپ من بر اسپ پسر عمرو بن العاص والی و فاتح مصر پیشی گرفت او گفت اسپ من پیش شد و من گفتم اسپ من و به حرف خود اصرار ورزیدم. پسر والی مرا با تازیانه اش زد و گفت من اشراف زاده ام.

چون حضرت عمر (رض) این حرف ها را شنید بلا فاصله به عمرو بن العاص والی مصر نوشت که با پسرش به مرکز حاضر شود.

وقتی هردو به نزد خلیفه دوم حضور یافتند، شکایت کننده را خواست و تازیانه را به دستش داده گفت: پسر والی را که خود را اشراف زاده میگوید بزن. او در حضور پدرش که والی و فاتح مصر بود، پسرش را زد و انتقام گرفت بعداً عمر (رض) رو به سوی عمرو بن العاص نموده گفت: از چه وقت مردم را بندگان خود قرار داده اید، درحالیکه از مادران شان آزاد به دنیا آمده اند.

اصرار - پافشاری کردن

اشراف - بزرگان

تازیانه - قمچین

فاتح - فتح کننده

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : سه نفر شاگرد داوطلب درس را قرائت و سایر شاگردان راجع به مفهوم آن از آنها سوال نمایند و معلم در عین حال با آنها کمک نماید.

سوالات برای ارزیابی :

۱- عمرو بن العاص کی بود ؟

۲- به حضرت عمر (رض) چگونه شکایت شد ؟

۳- حضرت عمر رض چرا از پسر عمرو بن العاص قصاص گرفت ؟

٤- حضرت عمر رض به عمرو بن العاص چه گفت ؟

فعالیت گروپی : ازین عمل حضرت عمر رض چه نتیجه گیری می نمائید در این مورد در گروپ های تان بحث نموده و نتیجهٔ بحث را نمایندهٔ گروپ به دیگران بیان دارد.

کارخانگی :- از یکی از علمای قریه و محلهٔ تان سوال نمائید که نمونه دیگری از عدالت حضرت عمر (رض)، را به شما بگویند. جواب او را در کتابچه های تان بنویسید.

مار و دهقان

ماری بود در دیوار خانهٔ دهقانی سوراخ داشت ، روزی از سوراخ بیرون آمد طفل دهقان را گزید ، طفل بیچاره از شدت درد جان داد. پدر و مادرش را سوگوار ساخت ، دهقان تصمیم گرفت تا از مار انتقام بگیرد.

روز دیگر وقتی مار از سوراخ بیرون شد تا برای خود غذا پیدا کند دهقان تبر را برداشت و بر او حمله کرد اما عوض اینکه سر مار را ببرد دم او را برید . مار به سوراخ خود خزید و جان به سلامت برد .
چند وقت بعد دهقان با خود فکر کرد که مبادا مار دوباره از سوراخ بدر شده و او را هم بگزد .

روی این فکر با مار بنای آشتی را گذاشت کمی نان و نمک را نزدیک سوراخ مار گذاشت ، مار از مشاهدهٔ این حرکت گفت : بین من و تو صلح شده نمی تواند زیرا تو فرزند خود را و من دُم خود را هرگز فراموش نخواهم کرد .

تا مرا دم و ترا پسر یاد است   دوستی من و تو بر باد است

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار :

شاگردان درس را خاموشانه مطالعه نمایند بعد دو نفر دا و طلب حکایت را در پیشروی صنف به دیگران بیان دارد.

سوالات برای ارزیابی :

۱- مار در کجا زندگی داشت و چه کرد ؟
۲- دهقان چرا دم مار را قطع کرد ؟
۳- بنای آشتی را با مار کی گذاشت ؟
٤- مار در جواب دهقان چه گفت ؟

فعالیت گروپی : معلم درس راقم املا به شاگردان بخواند و شاگردان بنویسند و بعد اعضای گروپ نوشته یک دیگر را اصلاح نمایند.

کارخانگی : از حکایت فوق چه نتیجه گرفتید آنرا در کتابچه های تان بنویسید .

نصایح

- کاری کنید که اگر مردم شما را ببینند خجل نباشید .
- به دوست خود هرچه می سپاری بسپار لیکن اورا از راز خود محروم نگهدار.
- اگر صبر و تحمل داشته باشید پیروزی و سعادت نصیب تان میگردد .
- بزرگترین عیب ما این است که از عیب خود آگاه نباشیم .
- اگر می خواهید که آبرو و عزت تان از بین نرود از اشخاص منافق دوری کنید.
- اگر می خواهید دوستان تان زیاد گردد صاحب اخلاق نیک باشید .
- کارخوب آنست که انجام آن خوب باشد .
- از مردم ابله و نادان بگریزید .
- با کافران دوستی نکنید .
- مردم بی علم در شمار مردگان اند .

سعادت - نیک بختی

فعالیت های بعد از درس :

مشق وتکرار : چهار نفر شاگرد درس را قرائت نمایند وبعد دربین خود از یک دیگر در مورد مفهوم آن سوال نمایند ومعلم آنها را نظارت نماید.

سوالات برای ارزیابی :

۱- بزرگترین عیب ما چیست ؟

۲ - کار خوب کدام است ؟

۳- از اشخاص منافق چرا دوری کنیم ؟

٤- مردم بی علم درشمار کدام کسان اند ؟

۵- سعادت چه وقت نصیب ما میگردد ؟

فعالیت گروپی : « مردم بی علم درشمار مردگان اند » درین مورد درگروپ های تان بحث نموده ونتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : از پدر ویا مادر تان خواهش نمائید که شما را نصیحت کنند، نصایح را درکتابچه های تان بنویسید .

الفبای دری

حروف هجا که در زبان دری الفبا نامیده می شود عبارت است از :

ا ب پ ت ج چ خ د ذ ر ز ژ س ش
غ ف ک گ ل م ن و ه ی

بواسطه استعمال کلمه های عربی هشت حرف دیگر به الفبای دری افزوده شده که عبارت است از : ث ح ص ض ط ظ ع ق

این حروف در کلمه های خالص واصیل دری استعمال نمی گردد مثلاً در صبر ، علم ، قلم وغیره همچو کلمات حروف خاص زبان عربی استعمال گردیده است که این کلمات در اصل از لسان دری نمی باشند .

ازجمله آن حروف چهار حرف که عبارت است از : پ ، چ ، ژ ، گ ، حروف خالص زبان دری است و در زبان عربی وجود ندارد مانند گژدم ، ژاله ، چهره ، پروانه و متباقی حروف در بین زبان های دری ، پشتو و عربی مشترک می باشد .

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار :

دو نفر شاگرد درس را قرائت نماید و سه نفر شاگرد خلص مفهوم آنرا بیان دارد .

سوالات برای ارزیابی :

۱ـ حروف خالص زبان دری کدام است ؟
۲ ـ حروف خاص زبان عربی کدام است ؟
۳ـ ده کلمه خاص زبان عربی را نام بگیرید ؟
٤ ـ کدام کلمات ، کلمات خالص زبان دری گفته می شود ؟

فعالیت گروپی: هر گروپ پنج، پنج کلمات خالص زبان دری را پیدا نموده و یک نفر آنرا در روی تخته سیاه بنویسد .

کارخانگی : برای هر حرف خالص زبان دری پنج کلمه نو پیدا کرده و آنرا در کتابچه های تان بنویسید .

نفاق

خداوند (ج) مسلمانان را به اتحاد و اتفاق امر نموده است و هرکسیکه در بین مسلمانان نفاق می اندازد و سبب جدائی مسلمین میگردد، درحقیقت پیرو شیطان می باشد.

نفاق یک جامعه را فاسد می سازد زیرا هرکدام از افراد جامعه عوض برادری با یک دیگر دشمنی می کنند و به جای اطاعت قانون اسلام از قانون های غیر اسلامی پیروی می نمایند.

درین صورت عوض یک راه چندین راه پیدا می شود و این خود سبب دشمنی میگردد.

مملکت عزیز ما افغانستان سرزمینی است که اکثریت مردم آن مسلمان هستند و در هر زمان از دین مقدس اسلام دفاع کرده اند و در مقابل تجاوزگران در یک صف قرار داشته اند.

مگر چیزیکه سبب تکمیل جهاد و موفقیت مجاهدین میگردد فعالیت و زحمت کشیدن در راه از بین بردن نفاق و چند دستگی و ایجاد

صف واحد اسلامی میباشد .

نفاق ـ دو روئی ، مکر و ریا   نهائی ـ آخری

اخوت ـ برادری   ایجاد ـ پیدا نمودن

دفاع ـ وطن و ناموس را حفظ کردن وحمایت کردن.

خصومت ـ دشمنی

فعالیت های بعد از درس :

مشق وتکرار : معلم شاگردان گوشه گیر وکم جرئت را تشویق نماید تا درس را قرائت نموده و مفهوم آنرا بیان دارد .

سوالات برای ارزیابی :

۱ـ خداوند ﷻ مسلمانان را به چه امر نموده است ؟

۲ـ نفاق چه بدی دارد ؟

۳ـ صف واحد اسلامی سبب چه می شود ؟

فعالیت گروپی: راجع به بدی نفاق در گروپ های تان بحث نموده ونتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد.

کارخانگی: از معلم علوم دینی مکتب آیتی که مسلمان را به اتحاد دعوت نموده باشد پرسان نموده آنرا با معنی آن در کتابچه های تان بنویسید وهم آنرا حفظ نمائید.

نکات زرین از رسول اکرم (ص)

- خداوند در روز قیامت با سه شخص از روی نوازش سخن نخواهد گفت و از گناه پاک شان نخواهد ساخت : پیر زناکار، پادشاه دروغ گوی و فقیر متکبر.

- یک ساعت مذاکره علم دین بهتر است از زنده داری شب به عبادت.

- در روز قیامت در نزد خداوند (ج) از روی قدر و منزلت بدترین مردم کسی است که از علم خود استفاده نمی کند.

- شخصیکه در سینه اش از قرآن چیزی نباشد مانند خانه ویران است.

- کسیکه همسایه از شر و اذیت او ایمن نباشد داخل جنت نمی گردد.

- مومن از شنیدن سخنان نیک تا وقت دخول در جنت سیر نمی گردد.

- در هیچ مؤمنی این دو خصلت جمع نمی شود بخل و خلق بد.

- پاکی جزء ایمان است.

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : هر حدیث پیغمبر(ص) را یک شاگرد قرائت نموده و مفهوم آنرا بیان دارد.

سوالات برای ارزیابی :

۱- خداوند(ج) روز قیامت با کدام کسان سخن از روی نوازش نخواهد گفت ؟
۲- سینه کدام کس مانند خانهٔ ویران است ؟
۳- مؤمن تا کدام وقت از شنیدن سخن های نیک سیر نمی شود ؟
٤- کدام شخص داخل جنت نمی گردد ؟

فعالیت گروپی : راجع به این گفته پیغمبر(ص) که مؤمن تا داخل شدن به جنت از شنیدن سخنان نیک سیر نمی شود ، در گروپ های تان بحث نموده و نتیجهٔ بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد.

کارخانگی : هر شاگرد دو حدیث پیغمبر(ص) را پیدا نموده و آنرا با معنی در کتابچه های خود بنویسد و هم آنرا حفظ نماید .

حکایت

دو برادر بودند یکی خدمت سلطان میکرد و دیگری به سعی بازوی خود نان می خورد . باری این توانگر گفت درویش را : که چرا خدمت نکنی ؟ تا از مشقت کارکردن برهی . گفت : توچرا کار نکنی تا از مذلت خدمت رستگاری یابی که خرد مندان گفته اند : نان جو خوردن و نشستن به که کمر ازین بستن و به خدمت ایستادن .

عمر گرانمایه درین صرف شد　　تا چه خورم صیف وچه پوشم شتاء
ای شکم خیره به نانی بساز　　تا نکنی پشت به خدمت دو تا

مذلت - خواری　　رستگاری - نجات یافتن
سلطان - پادشاه　　خردمندان - هوشیاران
سعی - کوشش　　گرانمایه - با ارزش
درویش - فقیر　　صیف - تابستان
مشقت - سختی　　شتاء - زمستان
خیره - سرکش ، بی پروا

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد داوطلب درس را قرائت نمایند و بعداً شاگردان از یک دیگر راجع به مفهوم آن سوال نمایند و در آخر یک نفر شاگرد داوطلب خلص حکایت را به دیگران بگوید.

سوالات برای ارزیابی :

۱- دو برادر چه کار می کردند ؟

۲- برادر توانگر به برادر درویش چه گفت ؟

۳- برادر فقیر در جوابش چه گفت ؟

۴- مردمان هوشیار چه گفته اند ؟

۵- عمر ما در چه تیر شد ؟

۶- در آخر شاعر به نفس خود چه خطاب می کند ؟

فعالیت گروپی : شاگردان در گروپ های خود راجع به بحث آن دو برادر مذاکره نمایند که کدام یک از آنها نظر خوب داشت به کدام دلیل و در آخر نماینده گروپ دلایل گروپ خود را در پیشروی صنف به دیگران بیان دارد.

کارخانگی : از دوستان نزدیک تان خواهش نمائید که برای تان یک حکایت بیان دارد و آنرا در کتابچه های تان بنویسید.

فکاهی

جوانی تازه از میدان جنگ برگشته بود مردم قریه از او پرسیدند که در جنگ چه کردی !

جوان جواب داد : پای یکی از دشمنان را بریدم . پرسیدند چرا سرش را نبریدی ؟ گفت : زیرا که سرش را دیگر کسی بریده بود .

فکاهی ـ حکایت و سخنان خنده آور .

فعالیت های بعد از درس :

مشق وتکرار : درس را پنج نفر شاگرد قرائت نمایند و دونفر شاگرد داو طلب آنرا به زبان ساده در پیشروی صنف بیان دارد .

سوالات برای ارزیابی :

۱- مردم از جوان تازه از میدان جنگ برگشته چه پرسیدند ؟

۲- آن جوان چرا پاهای دشمن را بریده بود ؟

۳- چرا سر دشمن را نبریده بود ؟

فعالیت گروپی : از فکاهی فوق چه نتیجه گرفتید در مورد نتیجه آن شاگردان درگروپ های خود بحث نموده ونتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : هر نفر شاگرد یک فکاهی پیدا کرده وآنرا درکتابچه خود بنویسد وهم آنرا حفظ نماید .

حق وطن

افغانستان وطن ماست . افغانستان وطن پدران ، پدرکلان ها ، برادران و خواهران ماست .

ما در افغانستان بار اول چشم به جهان کشوده ایم ودر صحن آن پا گذاشته ایم ، از آب وهوای آن استفاده کرده ایم . در ناز ونعمت آن پرورش یافته ایم .

وطن مانند آغوش مادر مهربان است که همهٔ ما را دوست داشته وتمام نعمت های خودرا نثار ماکرده است. آغوش وطن آنقدر پرمحبت است که در دنیا نظیر ندارد .

پس وطن بالای ما حق دارد نباید حقوق وطن خود را فراموش کنیم باید از دین مقدس اسلام و وطن عزیز خود دفاع نمایم ، دشمنان آنرا نابود بسازیم و در راه سربلندی و آزادی وطن وحفظ آبرو وعزت هموطنان مسلمان خود جهاد نمائیم و درمقابل دشمنان اسلام و وطن سرتسلیمی را فرود نیاوریم .

شاگردان عزیز : در تحصیل علم و دانش زیاد کوشش نمائید
وخود را به سلاح علم مجهز نمائید و با سلاح علم در راه ترقی
وآبادی.و دفاع وطن مبارزه وجهاد نمائید تا وطن تان
آزاد وآباد بوده وخود تان نیز سربلند وکامیاب باشید.

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد درس را قرائت نمایند و سایر شاگردان راجع به مفهوم آن از آن پنج نفر سوال نمایند.

سوالات برای ارزیابی :

۱- وطن کدام جای را می گویند ؟

۲- از کدام چیزهای وطن استفاده نموده ایم ؛

۳- وطن بالای ما چه حق دارد ؟

٤- حقوق وطن چه قسم ادا شده میتواند ؛

فعالیت گروپی : چرا وطن تانرا دوست دارید ، در مورد در گروپ های تان بحث نموده نماینده گروپ نتیجه بحث را به دیگران بیان دارد.

کارخانگی : راجع به آب وهوا و میوه جات منطقهٔ تان در افغانستان هرچه میدانید بنویسید .

حکایت

تاجری طوطی زیبا وسخنگوی داشت ، روزی خواست به هندوستان برود هریک از اعضای فامیل خواستند تا تحفه ها را برای شان باخود بیاورد .

تاجر به طوطی گفت : ای مرغ خوش صدا برای تو چه تحفه بیاورم . طوطی که مدت ها درقفس مانده وغمگین بود گفت : من از تو هیچ تحفه نمی خواهم ولی خواهش من این است که وقتی به هندوستان رسیدی در جنگلهای سرسبز طوطیان آزاد را در پرواز دیدی سلام مرا به آنها برسانی وبگویی : « این شرط دوستی وهم جنسی نیست که شما از آزادی برخوردار باشیدو بمیل خود به هرطرف پرواز نمائید ومن در قفس زندانی باشم آخر ازمن دور افتاده و درقفس مانده یادی بکنید و چاره ای برای آزادی من بسنجید » .

تاجر قبول کرد که پیام اورا برساند وجواب باز آرد وقتی به هندوستان رسید در حین گذر از جنگل نظرش

به چند طوطی افتاد و پیام طوطی خود به یادش آمد و آنرا برای طوطیان آزاد بیان نمود. هنوز گفتار تاجر به پایان نرسیده بود که یکی از آن طوطیان برخود لرزیده و از بالای درخت به زمین افتاد. تاجر اندوهناک شد ولی پشیمانی دیگر فایده نداشت. تاجر کار خود را به انجام رسانید و به شهر خود بازگشت و برای هر یک از اهل خانه تحفه آورد.

طوطی گفت: «تحفهٔ من کو» طوطیان آزاد را دیدی؟ آیا پیام مرا به آنها گفتی؟ هم جنسان من در جواب هرچه گفتند برای من نقل کن!

تاجر گفت: ای طوطی زیبای من ازین سخن درگذر که در رسانیدن آن پیام سخت پشیمانم و پیوسته خود را ملامت می کنم. بخدا آنچه که من دیده ام تو طاقت شنیدن آنرا نداری.

طوطی گفت: مگر چه واقعه رخ داده است که ترا به این اندازه غمگین کرده است.

تاجر گفت: وقتی پیام ترا به طوطیان گفتم یکی از آنها به خود

لرزید واز شاخ به زمین افتاد. من از گفتهٔ خود پشیمان شدم ولی پشیمانی سود نداشت و آن طوطی نازک دل از غصه هلاک شد.

همینکه سخن تاجر به پایان رسید طوطی در قفس به خود لرزید و مانند مردگان افتاد و دم فروکشید. تاجر از دیدن این حالت فریاد برآورد ولی طوطی مرده بود و با ناله و فریاد تاجر زنده نمی شد. تاجر ناچار در قفس را باز کرد و طوطی را بیرون انداخت. طوطی به شتاب پرواز کرد و بر شاخ درخت نشست. دهن تاجر از تعجب باز مانده بود ونمی دانست چه بگوید. طوطی رو به تاجر کرد و گفت از تو بسیار متشکرم که بهترین تحفه برای من آوردی. این تحفه آزادی بود و آن طوطی با عمل خود به من یاد داد که چگونه خود را آزاد سازم.

تحفه - بخشش، سوغات
ناله - زاری و فریاد
پیام - خبر
تعجب - حیران شدن
تاجر - تجارت کننده

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار :

پنج نفر شاگرد درس را قرائت نمایند و دو نفر شاگرد داوطلب خلص حکایت را در پیشروی صنف بیان دارد.

سوالات برای ارزیابی :

۱- تاجر به طوطی چه گفت ؟

۲- زمانیکه تاجر پیغام طوطی را به طوطیان رسانید ، طوطی چه کرد ؟

۳- طوطی محبوس چه قسم خود را نجات داد ؟

٤- طوطی به صاحب خود چه گفت ؟

کارخانگی : از حکایت فوق چه نتیجه گرفتید آنرا در کتابچه های تان بنویسید.

صدای مجاهد

من شیر بچهٔ افغان، فرزند مسلمانم — دراه حقم قایم من بندهٔ یزدانم
این خطهٔ شیران و این خاک دلیران است — سازندهٔ تاریخ است شاهکار نیاکانم
حامی من است الله در حالت امن و شر — از مرگ نمی ترسم من پیرو قرآنم
دایم ز خدا خواهم پیروزی براه حق — یا جام شهادت را نوشیده دهم جانم
تسلیم بغیر حق نبود هدفم هرگز — اسلام و وطن باشد دائم همه ارمانم

طالع تو بگفتار است خود پیش عمل بنما
تو پیش بنه گامت من نیز قدم مانم

یزدان - خداوند
خطه - سرزمین
جاوید - همیشه
نیاکان - پدرکلانها

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : صنف به دو گروپ تقسیم گردیده بیت، بیت یک گروپ شاگردان بخواند و گروپ دیگر معنی نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- مجاهد چه قسم خود را توصیف می نماید ؟

۲- افغانستان سرزمین کیست ؟

۳- آرمان مجاهد چیست ؟

۴- مسلمان واقعی پیرو چه می باشد؟

فعالیت گروپی: در گروپ های تان راجع به صفات مجاهد بحث نموده ونتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی: شعر را به دقت بخوانید مفهوم آنرا به الفاظ ساده در کتابچه های تان بنویسید .

فکاهی

روزی شتر و روباه همراه بودند . در بین راه کنار دریا رسیدند . روباه رو به شتر کرد و گفت درآی و ببین که آب تا چه اندازه است .

شتر در آب درآمد گفت : بیا آب از شکم بالا نیست .

روباه گفت بلی : اما شکم تا شکم تفاوت است .

تفاوت ـ فرق

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد درس را قرائت نمایند و در اخیر دو نفر شاگرد داوطلب فکاهی را در پیشروی صنف بیان دارد .

سوالات برای ارزیابی :

۱- شتر و روباه به کجا رسیدند ؟

۲- روباه به شتر چه گفت ؟

۳- شتر در جواب روباه چه گفت ؟

۴- از شکم تا شکم تفاوت است چه معنی دارد ؟

فعالیت گروپی : از فکاهی فوق چه نتیجه گرفتید در مورد درگروپ های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : هرنفر شاگرد یک فکاهی پیدا نموده درکتابچه های تان بنویسید وهم آنرا حفظ نموده روز آینده در پیشروی صنف بیان دارید .

مگس

مگس از جملهٔ حشرات مضره میباشد. مگس علاوه بر مزاحمت باعث انتشار امراض زیاد میگردد. مگس در درز های مواد فاضله و یا مواد غذائی فاسد شده تخم گذاری می کند و روز به روز تعداد آنها زیاد میگردد.

بدن مگس بواسطهٔ داشتن موهای خورد باعث انتقال مکروب ها میگردد و امراض مهلک مانند محرقه، وبا، اسهال کولرا، توبرکلوز، فلج اطفال وغیره را سبب میگردد.

مکروب مریضی های فوق در مواد فاضله موجود میباشد وقتیکه مگس بالای آن نشست مکروب مذکور را بواسطه موهای بدن خود میگیرد و آنرا به مواد غذائی انسان مانند آب، سبزیجات میوه، نان وغیره چیزها انتقال میدهد. زمانیکه غذاهای مذکور خورده شود، انسان به امراض فوق الذکر مبتلا میگردد.

طریقهٔ مهمی در جلوگیری از امراض مذکور توجه به پاکی محیط و

از بین بردن مواد فاصله میباشد که در آن مگس ها تخم گذاری می کنند و پرورش می یابند وهم چنان مواد غذائی را از مگس ها محفوظ نگهداشتن ، نصب کردن جالی در کلکین ها و دروازه ها و استعمال بعضی مواد کیمیاوی (پودر ها) نیز مفید میباشد.

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد درس را قرائت نمایند و راجع به مفهوم آن از همدیگر سوال نمایند .

سوالات برای ارزیابی :

۱- مگس چه قسم حشره است ؟
۲- مگس چطور باعث انتقال امراض میگردد ؟
۳- مگس کدام امراض را نقل داده می تواند ؟
٤- برای جلوگیری از امراض کدام تدابیر را گرفته میتوانیم ؟

فعالیت گروپی : به نظر شما غیر از تدابیر فوق برای جلوگیری از امراض چه تدابیر را لازم میدانید ، درین مورد در گروپ های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : در مورد ضرر مگس هرچه میدانید در کتابچه های تان بنویسید .

آداب سخن گفتن

حکماء گفته اند که هرگز کسی به جهل خود اقرار نکرده است مگر آنکس که چون دیگری در سخن باشد همچنان تمام ناگفته سخن آغاز کند.

سخن را سر است ای خردمند وبن
میاور سخن در میان سخن
خداوند تدبیر و فرهنگ وهوش
نگوید سخن تا نبیند خموش

حکماء - جمع حکیم ، دانا
خداوند - صاحب
بن - بیخ وبنیاد
فرهنگ - علم و دانش

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد درس را قرائت نماید و سایر شاگردان در اخیر راجع به معنی و مفهوم آن از آن پنج نفر سوال نمایند و معلم در قرائت و بیان معنی و مفهوم با آنها کمک نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- آیا کسی به جهل خود اقرار می نماید ؟

۲- کدام کس به جهل خود اقرار می نماید ؟

۳- سخن چه دارد ؟

٤- شخص هوشیار و دانا کدام وقت سخن می زند ؟

فعالیت گروپی : راجع به آداب سخن زدن شاگردان در گروپ های صنفی خود بحث نموده و نماینده گروپ نتیجه بحث را در پیشروی صنف بیان دارد.

کارخانگی : راجع به آداب سخن گفتن از بزرگ فامیل تان سوال نمائید وجواب آنها را در کتابچه های تان بنویسید .

دروغ

دروغ در دین مقدس اسلام منع قرار داده شده است وهرکه برای فریب مردم دروغ بگوید اعتبار خود را از دست میدهد.
شخص دروغ گو حیثیت و آبروی خود را نیز از دست میدهد وسبب فتنه و فساد در بین مردم میگردد وهمه مسلمانان او را به نظر حقارت می بینند.
یکی از صفات بزرگ منافقین آنست که دروغ می گویند.

کسی راکه ناراستی گشت کار — کجا روز محشر شود رستگار
کسی راکه گردد زبان گرد دروغ — چراغ دلش را نباشد فروغ
دروغ آدمی راکند شرمسار — دروغ آدمی راکند بی وقار
دروغ ای برادر مگو زینهار — که کاذب بود خوار و بی اعتبار

زناراستی نیست کاری بتر
ازاو گم شود نام نیک ای پسر

مقدس - پاک
نفع - فایده
حیثیت - آبرو
حقارت - پستی و خواری
محشر - روز قیامت
رستگار - کامیاب
فروغ - روشنی
وقار - حیثیت و آبرو
زینهار - باخبر

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد به ترتیب نوبت صنفی درس را قرائت نموده و راجع به مفهوم آن از یک دیگر خود سوال نمایند .

سوالات برای ارزیابی :

۱- دروغ چه بدی دارد ؟
۲- دین مقدس اسلام درمورد دروغ چه نظر دارد ؟
۳- کدام عمل انسان را بی عزت و بی آبرو می سازد ؟
٤- نام نیک بواسطه چه از بین می رود ؟

فعالیت گروپی : چرا دروغ انسان را بی وقار می سازد ؟ درمورد در گروپ های تان بحث نموده و نتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : از امام مسجد سوال نمائید که نظر به کدام آیت شریف دروغ گفتن منع گردیده است آن آیت را با معنی اش درکتابچه های تان بنویسید وهم آنرا حفظ نمائید.

مکتوب به برادر مجاهد

۱۳۷۰/۴/۲۵ هـ ش

برادر عزیز و مشفقم محمد امین جان

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

اولتر از همه صحت و سلامتی شما و سایر دوستان را خداوند (ج) تمنا دارم. خدا کند طبق آرزومندیهایم سرخروی و کامیاب باشید.

نامه محبت آمیز تان درحین انتظار برایم رسید ازینکه صحت مند و در امور جهاد مؤفق هستید بسیار خوش شدم.

برادر عزیز! همه برادران، دوستان واهل فامیل صحت کامل داشته و مصروف کار و بار زندگی روزمره اند. گرچه شما از ما دور هستید ولی ازینکه علیه کفر والحاد می جنگید و برای نجات مظلومین و وطن از چنگال ظالمان آن زحمات را قبولدار شده اید برای ما جای نهایت افتخار است. آرزوی هر فامیل مسلمان از جوانان خود همین است تا نیروی جوانی خود را در راه دفاع از دین و وطن مصرف نماید. و خداوند را شکر گذاریم که مانند

شما جوانان بیدار ، آگاه ، مبارز و مسلمان در پیش رو داریم
که بخاطر ما زحمت ها را به راحت ترجیح میدهند .

چون دعای شما در بارگاه ایزد متعال قابل قبول می باشد
لذا خداکند ما را از دعای خیر تان فراموش نکنید .

در خاتمه آرزومندم که سلام های دوستانه ما را به عموم مجاهدین
و سنگرداران حق برسانید وهم هر وقت از احوال وچگونگی
وضع جهاد و برادران مجاهد در سنگر ما را مطلع سازید .

والسلام

کریم برادر تان

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : معلم درس را قسم املأ به شاگردان بخواند و شاگردان بنویسند و بعد معلم نوشته شاگردان را اصلاح نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- نامه به کدام الفاظ شروع گردد ؟

۲- به نظر شما کدام نامه بهترین نامه است ؟

۳- تاریخ و امضاء در کجای نامه می باشد ؟

٤- آیا رنگ و کاغذ در خوبی نامه تأثیر دارد ؟

۵- آیا نامه کوتاه باشد و یا دراز ؟

فعالیت گروپی : هر گروپ به مشوره اعضا گروپ نامهٔ عنوانی یکی از دوستان بنویسند و نماینده گروپ در پیش روی صنف آنرا بخواند .

کارخانگی : هر نفر شاگرد یک نامه عنوانی یکی از دوستان خود بنویسد .

امام ابوحنیفه (رح)

نام اصلی ابوحنیفه رح نعمان بود و پدرش ثابت نام داشت وی در سال ۸۰ هـ در شهر کوفه تولد گردیده و در سال ۱۵۰ هـ در شهر بغداد از دنیای فانی رحلت نمود . وطن اصلی امام ابوحنیفه رح افغانستان است و اجداد وی از افغانستان به کوفه رفته بودند. کوفه در آن زمان از جمله شهرهای مشهور مسلمانان بود .

امام ابوحنیفه رح از علمای مشهور آن زمان علوم مختلفه را کسب نمود و علم فقه را از استاد خویش (حماد) تحصیل نمود . زمانیکه حماد (رح) وفات یافت شاگردانش امام ابوحنیفه (رح) را به حیث امام علمای فقه در عراق تعین نمودند .

امام ابوحنیفه (رح) شخص هوشیار، پرهیزگار و عالم بود و به همین سبب لقب امام اعظم را به وی داده اند . وی شخص امانت کار وسخی بود و از مال شخصی خود ضروریات علماً وشاگردان خود را پوره می نمود .

امام ابوحنیفه رح در دنیا پیروان زیاد دارد وکسانیکه پیرو مذهب امام ابوحنیفه اند حنفی ها گفته می شوند .

فعالیت های بعد از درس:

مشق وتکرار: پنج نفر شاگرد درس را قرائت نمایند و راجع به مفهوم آن از همدیگر سوال کنند.

سوالات برای ارزیابی:

۱- امام ابوحنیفه (رح) کی بود؟

۲- حنفی ها کدام گروه نامیده می شود؟

۳- حماد (رح) کیست؟

٤- امام ابوحنیفه (رح) چه قسم اخلاق داشت؟

فعالیت گروپی: راجع به شخصیت امام ابوحنیفه (رح) و پیروانش در گروپ های تان بحث نمائید و نتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد.

کارخانگی: راجع به شخصیت و پیروی از مذهب امام ابوحنیفه (رح) از امام مسجد تان پرسان نمود، وجواب های اورا درکتابچه های تان بنویسید.

مَثل

قصه یا سخن کوتاهی که درمیان مردم مشهور بود وشامل پند وعبرت باشد آنرا مثل یا ضرب المثل می گویند.

هدف از آوردن مثل ها متوجه ساختن شنونده بکارهای نیک می باشد. مثل ها به نثر وهم به نظم (بیت) گفته شده است مثلاً

- گاوان وخران بار بردار   به از آدمیان مردم آزار
- چو می بینی که نابیناه وچاه است   اگر خاموش بنشینی گناه است

- بارکج به منزل نمی رسد.
- منزل دروغ کوتاه است.
- کورخود وبینای مردم.
- چاه کن درچاه است.
- دزد درکوه جای نمی شود.

فعالیت های بعد از درس :

مشق وتکرار : هر مثل رایک نفر شاگرد بخواند ومفهوم آنرا بیان دارد ، در آخر یک نفر شاگرد داوطلب درس را طور مکمل بخواند ومفهوم آنرا بیان دارد .

سوالات برای ارزیابی :

۱- مثل را چه می گویید ؟

۲- هدف از آوردن ضرب المثل ها چه است ؟

۳- بار کج به منزل نمی رسد چه مفهوم دارد ؟

٤ - چاه کن در چاه است چه معنی دارد ؟

فعالیت گروپی : هرگروپ دو سه ضرب المثل را پیدا کرده و نماینده گروپ آنرا به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : هرنفرشاگرد پنج ضرب المثل را پیدا کرده و درکتابچه های خود بنویسید وهم آنرا حفظ نمائید.

نتیجهٔ خیانت

یکی از ثروتمندان گوسفندان داشت و هر روز که چوپان شیر گوسفندان را می دوشید مالک گوسفندان آب بسیار با شیر می آمیخت و می فروخت . چوپان به مالک رمه می گفت که خیانت مکن که عاقبت آن خطرناک است . ولی مالک رمه به آن التفات نمی کرد .

یکی از روزها چوپان رمه را در دامنه کوه می چراند ناگاه آسمان ابرآلود شد باران شروع به باریدن کرد وسیل روان شد . وهمهٔ گوسفندان را ببرد .

چوپان گریان ونالان نزد مالک رمه آمد .

مالک رمه پرسید که رمه را چه کردی ؟ چوپان جواب داد :
آن آبیکه با شیر می آمیختی باهم جمع گشت وسیل شد بیامد وگوسفندان را برد تا عاقلان بدانند که در خیانت برکت نیست .

می آمیخت - مخلوط می کرد.   التفات - توجه
عاقبت - آخر ، انجام

فعالیت های بعداز درس :

مشق وتکرار : درس را شاگردان که کم جرئت است به کمک معلم قرائت نمایند و در آخر دو نفر شاگرد داوطلب مفهوم آنرا بیان دارد.

سوالات برای ارزیابی :

۱- مالک رمه با شیر گوسفندان چه را مخلوط می کرد ؟

۲- چوپان به مالک رمه چه می گفت ؟

۳- نتیجه آن کار چه شد ؟

٤ - در آخر چوپان به مالک رمه چه گفت ؟

فعالیت گروپی : راجع به بدی خیانت درگروپ های تان بحث نموده ونتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد.

کارخانگی : راجع به خیانت یک حکایت نو را پیدا کرده و درکتابچه های تان بنویسید.

وقت شناسی

آیا شما میدانید که وقت در زندگی چقدر اهمیت و ارزش دارد ؟ وقت بزرگترین سرمایه انسان به شمار می رود که نباید آنرا بیهوده تلف کرد .

پس برای اینکه اوقات عزیز تان ضایع نشود هر کدام تان باید یک تقسیم اوقات منظم داشته باشید تا از تلف شدن وقت جلوگیری بعمل آید . یعنی وقت درس و تعلیم ، وقت نماز و عبادت و وقت تفریح باید معلوم باشد .

یک لحظهٔ وقت قیمتی خود را ضایع نسازید . وظایفی که به شما سپرده می شود باید در وقت معین بصورت منظم انجام دهید و در آن غفلت نه نمائید و اوقات گرانبهای خود را صرف آموختن علوم اسلامی و عبادات خداوندی نمائید .

بیهوده - بی فایده　　　　گرانبها - بیش قیمت

تلف - تباه و نیست شدن

فعالیت های بعد از درس :

مشق وتکرار :

شاگردان درس را قرائت نمایند ومفهوم آنرا بیان دارند.

سوالات برای ارزیابی :

۱- وقت چه ارزش دارد ؟

۲- برای اینکه وقت ما ضایع نگردد چه کنیم ؟

۳- وقت خود را صرف چه کنیم ؟

٤- وقت از نظر اسلام چه ارزش دارد ؟

فعالیت گروپی : هرگروپ یک تقسیم اوقات برای کارهای روزمره خود ترتیب نماید .

کارخانگی : هرنفر شاگرد یک تقسیم اوقات را برای کار یک شب وروز خود ترتیب دهد .

اسلام

اسلام مردم جهان را دعوت می نماید که به خدای یگانه و توانا که پیدا کنندهٔ جهان و تمام کائنات است ایمان بیاورید و مطابق اوامر او و رهنمود های پیغمبرش رفتار نمائید. از بدی ظلم و اخلاق زشت و اعمال بد دوری ورزید. حیثیت و کرامت بشری خود را حفظ نمائید. خود را در قطار حیوانات قرار ندهید. زیرا زندگی درین دنیا خلاصه نگردیده و دنیای دیگری یعنی جای محاسبه و پرسان و جزا موجود است.

راه اسلام راه درست و معقول است که خیر زندگی دنیا و سعادت آخرت هر دو در اسلام است، زیرا اسلام مردم را به انسانیت دعوت می کند و به انسان حیثیت، آبرو و عزت می بخشد و از ردیف حیوانات خارج می کند و کامیابی دنیا و آخرت را نصیب وی میگرداند.

کائنات - دنیا

معقول - درست وصحیح

اعمال - کردار

سعادت - نیک بختی

ردیف - قطار

فعالیت های بعد از درس:

مشق وتکرار:

پنج نفر شاگرد داوطلب درس را قرائت نمایند ومفهوم آنرا بیان دارند.

سوالات برای ارزیابی :

۱- اسلام مردم را به چه دعوت می نماید ؟

۲ - خداوند توانا چه چیزها را پیدا کرده است ؟

۳- اسلام برای انسان چه را نصیب میگرداند ؟

فعالیت گروپی : راجع به صفات اسلام درگروپ های تان بحث نموده ونماینده گروپ نتیجه بحث را به دیگران بیان دارد.

کارخانگی : درباره خوبی های دین مقدس اسلام چند سطر بنویسید.

دوری از صحبت جاهلان

دلا خردمندی و هوشیار — مکن صحبت جاهلان اختیار
ز جاهل گریزنده چون تیر باش — نیامیخته و چون شکر شیر باش
ترا اژدها گر بود یار غار — از آن به که جاهل بود غمگسار
اگر خصم جان تو عاقل بود — به از دوست داری که جاهل بود
چو جاهل کسی درجهان خوار نیست — که نادان ترا از جاهلی کار نیست
ز جاهل نیاید جز افعال بد — وزو نشنود کس جز اقوال بد
سرانجام جاهل جهنم بود — که جاهل نکو عاقبت کم بود
سر جاهلان بر سر دار به — که جاهل به خوازی گرفتار به
ز جاهل حذر کردن اولی بود — کزو ننگ دنیا و عقبی بود

خردمند - هوشیار
جاهل - نادان
به - بهتر، خوب
خصم - دشمن

افعال - جمع فعل، عمل
اقوال - جمع قول، سخن
جهنم - دوزخ
حذر کردن - کناره گیری

اولی - بهتر
عقبی - آخرت

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : شاگردان صنف به دو گروپ تقسیم گردیده یک گروپ شاگردان بیت بیت بخواند و گروپ دیگر معنی کند و معلم در عین حال با آنها کمک نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- باکدام کسان دوستی نکنیم ؟

۲- دوست نادان بهتر است یا دشمن دانا ؟

۳- نتیجهٔ کار جاهل چه است ؟

٤- از جاهل چه اولیٰ می باشد ؟

۵- جاهل در دنیا و آخرت چه موقف و مرتبه دارد ؟

فعالیت گروپی : نواقص جاهل چیست ؟ در مورد در گروپ های تان بحث نموده و نتیجهٔ بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد .

کار خانگی : شعر را بدقت بخوانید مفهوم آن را به الفاظ ساده در کتابچه های تان بنویسید .

حضرت سلمان فارسی (رض)

آورده اند که سلمان فارسی (رض) در یکی از شهرها امیر بود عادت او در وقت امارت و حکومت تغیر نکرده بود گلیم می پوشید، پیاده راه می رفت واحتیاجات خانه خود را خودش تهیه می کرد.

روزی مردی سبدی خریده برسر نهاده بود شخصی را می خواست که آنرا به خانه اش ببرد ناگاه سلمان فارسی (رض) آنجا رسید آن شخص حضرت سلمان (رض) را نشناخت سبد را به وی داد تا به خانه اش برساند.

در راه مردی پیشروی وی آمد وگفت: ای امیر این بار را به کجا می بری: صاحب سبد دانست که او امیراست، آن شخص دست و پای اورا بوسیدن گرفت وعفوخواست. سلمان (رض) عذراو را قبول کرد و اورا هیچ نگفت و بار را به خانه او رسانید وگفت: من به عهد خود وفا کردم حالا تو عهدکن که دیگر کسی را به بیگاری نگیری وکاری راکه توانش داشته باشی خود اجرا کن زیراکه به کمال تو نقصان نمی رسد.

عفو - بخشش

کمال - مرتبه ودرجه

امارت - فرمانروائی

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : شاگردان درس را قرائت نمایند و یک نفر شاگرد داوطلب خلص حکایت را بیان دارد.

سوالات برای ارزیابی :

۱- سلمان فارسی (رض) چه وظیفه داشت ؟
۲- سلمان فارسی (رض) در وقت امارت خود چه کار کرد ؟
۳- سلمان فارسی (رض) از شخصی که او را به بیگار گرفته بود چه تعهد گرفت ؟
٤- از حکایت فوق چه نتیجه گرفتید ؟

فعالیت گروپی: روش سلمان فارسی (رض) در وقت امارتش از نظر شما خوب بود یا نه ، درین مورد در گروپ های تان بحث نمائید و دلایل آنرا بگوئید و در آخر نماینده گروپ دلایل گروپ را بیان دارد.

کارخانگی : به نظر شما امیر باید چه صفات داشته باشد آنرا در کتابچه های تان بنویسید.

بلبل و باز

روزی بلبل به باز گفت: من که حال خود را با حال تو مقایسه می‌کنم به حال خود گریه ام میگیرد، زیرا همه مردم ترا قدر می کنند اشخاص عادی چه که حتی پادشاهان ترا بر دستان خود می نشانند واز جای به جای دیگر می برند، درحالیکه حرف زده نمی توانی و آواز دلکش نداری.

ولی من با وجود آواز خوب واینکه سرود خوب می خوانم روزها ماه‌ها وحتی سالها در زندان قفس محبوسم.

باز به او گفت: آیا میدانی که چرا مردم مرا قدر می کنند؟

بلبل گفت: نمی دانم.

باز گفت: علت آن این است که من به مردم شکار می‌کنم ولی هیچ حرف نمی زنم وتو بسیار پُر می گوئی ولی هیچ کاری نمی کنی.

پس ما باید کار زیاد کنیم وحرف کم بزنیم زیرا از حرف زیاد سودی بدست نمی آید.

دل ز پرگفتن بمیرد در بدن   گرچه گفتارش بود دُر عدن

فعالیت های بعد از درس :
مشق وتکرار : شاگردان درس را قرائت نموده ویک نفر شاگرد داوطلب خلص حکایت را بیان دارد .

سوالات برای ارزیابی :

۱- بلبل به باز چه گفت ؟
۲- بلبل چه شکایت داشت ؟
۳- باز چه دلائل درمقابل گفت ؟
٤- پس باید ما وشما چه کنیم ؟

فعالیت گروپی : معلم درس را قسم املأ به شاگردان بخواند وآنها بنویسند وبعد اعضای گروپ نوشته های یک دیگر را اصلاح نمایند ومعلم آنها را نظارت نماید .

کارخانگی : یک حکایت نو پیدا نموده و درکتابچه های تان بنویسید .

حکایت

موتر ما در کوتل ها آهسته آهسته بالا می رفت در کنار توده های سفید برف سبزه تازه سر کشیده بود. قله برف آلود سفید کوه در وادی سرسبز کشور نمود خاصی داشت.

همینکه موتر از گولائی های متعدد گذشت و به سینهٔ فراخ کوتل رسید ناگهان کودکی در کنار سرک نمودار شد، به حیرت افتادم که دور از آبادی ها، کودکی درین جا چه می کند. وقتی موتر نزدیک او رسید از راننده خواهش کردم که بایستد. همینکه موتر توقف کرد کودک نیز برجایش ایستاد و بر تیشه اش تکیه زد به او سلام کردم و پرسیدم. بچه جان چه می کنی؟

گفت: سرک را جور می کنم.

پرسیدم: تو چرا این قسمت سرک را جور می کنی؟

گفت: برادرم مسافر است و پدرم در آن طرف تپه قلبه میکند.

پرسیدم: آیا تو این کار مشکل را کرده می توانی؟

گفت: چرا نی. می بینید که از صبح تا حال چند جای سرک را جور کرده

ام از کنار سرک سنگ وگل را می کنم و به چقری های سرک می اندازم تا موتر به آسانی عبور کند.

گفتم : آیا در بدل این کار به تو پول می دهند.

گفت : نی ، رواج ما نیست که پول بگیرم . قوم ما سنگ مانده اند که هرکس سرک نزدیک خانه و زمین خود را جور کند و پول نگیرد.

گفتم : اگر ما به تو پول بدهیم می گیری ؟

گفت : نی ، هرگز نی ، شرم است و خلاف رواج مردم ماست ما این خدمت را خاص برای رضای خدا (ج) و وطن خود می کنیم.

گفتم : اگر ما از تو خواهش کنیم پول میگیری.

گفت : نی ، پدرم قهر می شود . باز شرم است که مردم قریهٔ ما بگویند عبدالله بچه یوسف از موتر پیسه گرفت ، من که همین قدر کار برای وطن خود کرده میتوانم ، چرا نکنم .

وقتی این حرف را زد با دستان کوچکش تیشه خود را برداشت

قله ـ بلندترین نقطهٔ کوه　　　فراخ ـ کلان

متعدد ـ زیاد　　　توقف ـ ایستاد

و به کندن زمین شروع کرد و ما در حیرت تمام به راه خود در حرکت افتادیم .

پس ملتی که کودکانش با چنین عزم راسخ روز های دشوار را سپری نمایند هرگز نمی میرد .

خدا آن ملتی را سروری داد — که تقدیرش بدست خویش بنوشت
به آن ملت سر و کاری ندارد — که دهقانش برای دیگران کشت

« اقبال »

جبهه - میدان جنگ — تقدیر - سرنوشت

رواج - رسم و عادت

سنگ مانده - عهد و پیمان بسته

حیرت - حیران

عزم - قصد

راسخ - متین

دشوار - سخت

فعالیت های بعد از درس:

مشق وتکرار: پنج نفر شاگرد درس را قرائت نمایند ودر آخر دونفر شاگرد خلص حکایت را بیان دارد.

سوالات برای ارزیابی:

۱- پسرک چه میکرد؟

۲- وی چرا اجوره نگرفت؟

۳- چرا پدرش بالای او قهر می شد؟

٤- فرزندان افغان چه صفات دارد؟

۵- کدام ملت را خداوند(ج) سروری میدهد؟

فعالیت گروپی: از حکایت فوق چه نتیجه گرفتید درین مورد درگروپ های تان بحث نموده نتیجه بحث را نماینده گروپ به دیگران بیان دارد.

کارخانگی: شما به خاطر چه درس می خوانید وعلاوه بر آن خلص مطلب ابیات اخیر را درکتابچه های تان بنویسید.

چیزیکه به خود نمی پسندی به دیگران روا مدار

احمد پیش ازینکه به مکتب برود طفل شوخ بود . به هر باغ و هر جائیکه می رفت گلها را قطع کرده و با آن بازی میکرد . مادرش هر قدر به او نصیحت کرد تا ازین کار منصرف شود نصیحت مادر در گوشش کارگر نه افتاد و ازین عمل دست بردار نشد .

وقتیکه احمد به مکتب شامل شد در آنجا ضرر قطع کردن گلها ، فایده غرس نهال ها و تربیه گلها را آموخت . او هم در خانه خود در یک گلدان بتهٔ گل قشنگ و زیبا را غرس نمود ، هر روز به آن آب میداد و به تربیه آن می پرداخت . بعد از چند روز یک گل قشنگ و زیبائی در گلدان نمایان شد .

احمد از دیدن گل زیبا خیلی خوش شد و دانست که گل چیست ؟ یک روز احمد وقت از خواب برخاست که گل زیبای گلدان را آب بدهد دید که گل را کسی کنده است .

احمد غمگین شد و به مادر خود گفت : مادر جان ! کی گل زیبای مرا قطع کرده است ؟

مادرش گفت : شاید کسی گل ترا قطع کرده باشد که تو گلهایش را قطع میکردی . گل های مردم را قطع نکن تا گل های تو نیز سالم بمانند احمد بعد ازین با خود وعده کرد که هیچ وقت گلهای مردم را قطع نکند تا گلهای خودش محفوظ بمانند .

فعالیت های بعد از درس :

مشق و تکرار : پنج نفر شاگرد درس را قرائت نماید و دو نفر شاگرد داوطلب خلص حکایت را بیان دارد .

سوالات برای ارزیابی :

۱ـ احمد پیش از مکتب رفتن چه عادت داشت ؟
۲ ـ احمد در مکتب چه آموخت ؟
۳ ـ کدام کس گل احمد را قطع کرده بود ؟
٤ـ مادرش به او چه گفت ؟

فعالیت گروپی : معلم درس را قسم املاء به شاگردان بخواند و آنها بنویسند و بعد اعضای گروپ نوشته های یک دیگر را اصلاح نمایند .

کارخانگی : به نظر شما شاگردانیکه گلها و درختان مکتب را حفاظت نمی کنند چه قسم اشخاص اند . نظر تانرا در کتابچه های تان بنویسید .

نتیجهٔ دروغ

چوپانی درکوهساری شبانی میکرد و درنزدیکی آن قریه های پرنفوس وجود داشت ، یک روز چوپان تصمیم گرفت که مردم ده را فریب دهد فریاد زد که گرگ آمد ، گرگ آمد . مردم قریه صدای او را شنید با چوب و تبر بطرف او دویدند ، دیدند که گرگ نیست از شبان پرسیدند گرگ کجاست ؟
شبان گفت پیش از آمدن شما سگ قوی پنجهٔ من گرگ را مجبور به فرار کرد . شب دیگر باز به صدای بلند فریاد زد گرگ آمد ، گرگ آمد . باز مردم قریه به کمک او شتافتند مگر از گرگ هیچ اثری بنود . مردم فهمیدند که شبان دروغ می گوید .

شب دیگر به راستی گرگ حمله نمود ، شبان هر قدر که فریاد نمود هیچکس به فریاد او جواب نداده و به کمک او نیامد و فکر نمودند که دروغ می گوید و گرگ گوسفندان متعدد را از بین برد .

فردا مردم قریه چون حال شبان و گوسفندان را دیدند . شبان را ملامت نموده وگفتند اگر تو دروغ نمی گفتی به این حالت گرفتار نمی شدی شبان ازین کار خود نهایت پشیمان شده تصمیم گرفت تا در آینده دروغ نگوید.

فعالیت های بعد از درس:

مشق و تکرار: شاگردان درس را قرائت نمایند و یک دو نفر شاگرد در آخر خلص حکایت را بیان دارد.

سوالات برای ارزیابی:

۱- چوپان در کوهسار چه میکرد؟

۲- چوپان چرا فریاد می زد؟

۳- مردم قریه چرا بالای چوپان بی اعتبار شدند؟

٤- نتیجهٔ آن دروغ و مکر چه شد؟

فعالیت گروپی: راجع به بدی مکر و فریب در گروپ های تان بحث نموده و نتیجهٔ بحث را نمایندهٔ گروپ به دیگران بیان دارد.

کارخانگی: شما نیز همچو یک حکایت پیدا نموده و در کتابچه های تان بنویسید.

مناجات

پادشاها جرم ما را درگذار ... ماگنه کاریم ، تو آمرزگار
تو نکوکاری و ما بدکرده ایم ... جرم بی اندازه بیحد کرده ایم
بی گنه نگذشت بر ما ساعتی ... با حضور دل نکردیم طاعتی
چشم دارم کز گنه پاکم کنی ... پیش از آن کاندر لحد خاکم کنی
اندر آندم کز بدن جانم بری ... از جهان با نور ایمانم بری

« شیخ فریدالدین عطار »

مناجات - عرض نیاز به درگاه خدا ج

جرم - گناه

آمرزگار - بخشنده

لحد - قبر

فعالیت های بعد از درس :

مشق وتکرار : شاگردان دو دونفر مقابل هم قرار گرفته یکی بخواند ودیگری معنی نماید ومعلم درعین حال با آنها کمک نماید .

سوالات برای ارزیابی :

۱- از خداوند (ج) چه آرزو داشته باشیم ؟

۲- بندهٔ چه نواقص دارد ؟

۳- خدایا پیش از مرگ با ما چه کن ؟

٤ - در آخر از خداوند (ج) چه آرزو کنیم ؟

فعالیت گروپی: ما چرا به درگاه خداوند عرض ونیاز میکنیم ؟ درین مورد در گروپ های تان بحث نموده ونتیجه بحث را نمایندهٔ گروپ به دیگران بیان دارد .

کارخانگی : مناجات را به دقت بخوانید ومفهوم آنرا به الفاظ ساده در کتابچه های تان بنویسید .